

تهدید عمر بن خطاب به آتش زدن خانه ، شبیه تهدید پیامبر در تارکین نماز جماعت

بسم الله الرحمن الرحيم

تهدید عمر بن خطاب ، شبیه تهدید پیامبر در قضیه نماز جماعت است

طرح شبیهه

نقد و بررسی حدیث احراق قریش

مراد از احراق قریش جهاد با آنان است

نقد و بررسی حدیث تهدید پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) به سوزاندن خانه

۱ - سوزاندن خانه برای ترك امر استحبابی صحیح نیست

۲ - مخالفت روایات با روح قرآن

۳ - مراد از روایات منافقان است

نظر علمای اهل سنت در روایت

۴ - قیاس نماز به بیعت نادرست است

حدیث ندامت ابوبکر از حمله به خانه فاطمه (سلام الله علیها)

۵ - پیامبر رعایت حال زنان و کودکان را نمود ولی عمر بن خطاب؟؟

روایات شیعه در احراق خانه تارکین نماز

پاسخ از روایات

۱ - تهدید به خاطر مخالفت با شرائط پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده

۲ - افراد مورد نظر پیامبر (ص) منافقان بوده اند

نتیجه

تهدید عمر بن خطاب ، شبیه تهدید پیامبر در قضیه نماز جماعت است

طرح شبیهه:

برخی از وهابیان می‌گویند: آن چه که در روایات ثابت است، تهدید به سوزاندن خانه حضرت زهرا سلام الله علیها توسط

عمر بن خطاب بوده و این تهدید هم، به مصلحت بوده است! و این تهدید همانند تهدید پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

می‌باشد که افرادی را که در نماز جماعت حاضر نمی‌شدند، تهدید به سوزاندن خانه‌های آنان کرد همان گونه که بخاری در صحیح خود آورده است:

«عن أبي هريرة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال والذي نفسي بيده لقد هممت أن أمر بخطب فيخطب، ثم أمر بالصلاة فيؤذن لها، ثم أمر رجلاً فيؤم الناس ثم أخالف إلى رجال فأحرق عليهم بيوتهم، والذي نفسي بيده لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقاً سميماً أو مرماًتين حسنتين لشهد العشاء.»

ابوهریره می‌گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، قصد کرده‌ام تا دستور به جمع‌آوری هیزم دهم سپس مؤذن را بگویم تا اذان دهد و شخصی را برای امامت مردم مقرر نمایم و خود به خانه متخلفان بروم و خانه‌هایشان را بر آنان آتش زهم.

قسم به خداوندی که جانم در قبضه قدرت او است اگر اینها می‌دانستند که اینجا استخوان گوشت دار (یا به مقدار گوشت میان دو سُم حیوان) و یا تیر آموزشی تقسیم می‌کنند در نماز جماعت حاضر می‌شدند. (یعنی اگر احساس می‌کردند که در کنار نماز جماعت سود دنیوی هم هست با علاقه حاضر می‌شدند

صحیح البخاری، ج 1، ص 231 ح 618، کتاب الْجَمَاعَةِ وَالْإِمَامَةِ، بَابُ وُجُوبِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407- و مشابه این روایات در کتب روایی شیعه نیز وارد شده است.

و یا تهدید «عمر بن خطاب» جنبه ظاهری و صوری داشت و نباید به حقیقت حمل شود همانند سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به قریش که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَحْرِقَ قُرَيْشًا.»

خداوند به من دستور داده تا قریش را بسوزانم.

صحیح مسلم ج 4، ص 2197، ح 2865، بَابُ الصَّفَاتِ الَّتِي يُعْرَفُ بِهَا فِي الدُّنْيَا أَهْلُ الْجَنَّةِ وَأَهْلُ النَّارِ، کتاب الإیمان، بَابُ بَيَانِ الْكِبَائِرِ وَأَكْبَرِهَا، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

وهابی‌ها می‌گویند: هیچ عاقلی از این روایات سوزاندن قریش و خانه‌های متخلفان از نماز جماعت توسط پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) استدلال نمی‌نماید، و می‌داند که منظور پیامبر اهمیت دعوت به مسأله‌ی توحید و نماز جماعت بوده است. بنابراین تأکید و تصریح به سوزاندن خانه‌ی حضرت زهرا سلام الله علیها توسط عمر بن خطاب، به دور از انصاف و از روی تعصب است.

نقد و بررسی حدیث احراق قریش:

مراد از احراق قریش جهاد با آنان است :

روایتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شد که فرموده است :

«إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَحْرِقَ قُرَيْشًا.»

خداوند به من دستور داده که قریش را بسوزانم

صحیح مسلم ج 4، ص 2197، ح 2865

مراد از سوزاندن در این روایت جهاد و قتل است. همان گونه که علمای بزرگ اهل سنت در شرح و توضیح روایت، این نکته را با صراحت بیان کرده اند

«ابن اثیر» متوفای 606 می نویسد :

«ومنه الحديث أوحى إلى أن أحرق قریشا أي أهلکهم.»

حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود بر من وحی شده تا قریش را بسوزانم، یعنی هلاکشان کنم.

النهاية في غريب الأثر ج 1 ص 371، دار النشر : المكتبة العلمية - بيروت - 1399 هـ - 1979 م ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحي

«محمد بن أبي نصر حميدي» متوفای 488 می نویسد :

وقوله «أمرني أن أحرق قریشا» كناية عن القتل كقوله عليه السلام جئتكم بالذبح، وفي الخبر في وصف أبي بكر عند قتال أهل الردة فلم يزل يحرق أعضاءهم حتى أدخلهم من الباب الذي خرجوا منه.

محمد بن أبي نصر ، تفسير غريب ما في الصحيحين البخاري ومسلم ج 1 ص 499 ، دار النشر : مكتبة السنة - القاهرة - مصر - 1415 - 1995 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الدكتورة : زبيدة محمد سعيد عبد العزيز.

«ابن جوزي» متوفای 597 ، می نویسد :

«قوله أمرني أن أحرق قریشا وهو كناية عن القتل.»

غريب الحديث ج 1 ص 207، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان - 1405 - 1985 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : الدكتور عبد المعطي أمين القلجعي .

نقد و بررسی حدیث تهدید پیامبر گرامی به سوزاندن خانه

قیاس روایاتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تهدید به سوزاندن خانه کسانی کرد که در نماز جماعت حاضر نمی شدند با روایت مربوط به تهدید به سوزاندن خانه حضرت زهرا سلام الله علیه توسط عمر بن خطاب، اشکالات متعددی دارد که

اشاره می شود :

1 - سوزاندن خانه برای ترك امر استحبابي صحيح نيست

در میان مجازات اسلامي سابقه ندارد که برای ترك يك امر مستحبي حکم سوزاندن او و خانه او صادر شده باشد و از این رو عيني شارح صحيح بخاري مي نويسد:

«الإجماع منعقد على منع عقوبة المسلمين بذلك».

اجماع امت هست که مسلمان را نمي شود اين چنين مجازات کرد بلکه برای ترك يك امر واجب هر چه مهم باشد نمي شود آن را به آتش سوزاند.

عمدة القاري ج 5 - ص 164.

امام شافعي مي گوید:

«فروينا عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه نهى أن يعذب أحد بعذاب الله فقلنا به ولا نحرق حيا ولا ميتا»

از پيامبر صلى الله عليه و آله نقل کرده ايم که ايشان نهی کرده است که کسی را به عذاب خداوند، عذاب نمايند. لذا ما نمی توانيم زنده يا مرده کسی را با آتش بسوزانيم.

كتاب الأم - الإمام الشافعي - ج 7 - ص 192

امام احمد بن حنبل نقل مي کند:

«قال عبد الله حدثني أبي ثنا إسماعيل ثنا أيوب عن عكرمة أن علياً حرق ناساً ارتدوا عن الإسلام فبلغ ذلك بن عباس فقال لم أكن لأحرقهم بالنار وإن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا تعدبوا بعذاب الله وكنت قاتلهم ليقول رسول الله صلى الله عليه وسلم من بدل دينه فاقتلوه فبلغ ذلك علياً كرم الله وجهه فقال ويح بن أم بن عباس»

عكرمه می گوید: علی عده ای از مردم را از اسلام برگشته بودند، با آتش سوزاند. این خبر به ابن عباس رسید. اگر من بودم، این کار را نمی کردم. و پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود که

کسی را به عذاب خداوند عذاب نکند. لذا من به خاطر سخن پيغمبر که فرمود هر کس دينش را تغيير دهد، او را بکشيد؛ آنها می کشتم. این کلام این عباس به اميرالمؤمنين عليه السلام

رسید، فرمود وای بر ابن عباس.

مسند أحمد بن حنبل ج 1 ص 217 ح 1871، نشر: مؤسسة قرطبة - مصر

بخاري در صحيح خود مي نويسد:

لان النبي صلى الله عليه وسلم قال لا تعدبوا بعذاب الله.

صحيح البخاري - البخاري - ج 4 - ص 21

قال البخاري: حدثنا علي بن عبد الله حدثنا سفيان عن أيوب عن عكرمة أن علياً رضي الله عنه حرق قوماً فبلغ بن عباس فقال لو كنت أنا لم أحرقهم لأن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا تعدبوا بعذاب الله ولقتلتهم كما قال النبي صلى الله عليه وسلم

من بَدَل دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ

صحیح البخاری ج ۳ ص ۱۰۹۸ ح ۲۸۵۴، نشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة،

تحقیق: د. مصطفی دیب البغا

فقهای بزرگ اهل سنت طبق همین روایت بخاری فتوی داده اند همان گونه که ابن قدامه از فقهای بزرگ حنبلی می نویسد:

«من بدل دینه فاقتلوه ولا تعذبوا بعذاب الله (یعنی النار) أخرجہ البخاری وأبو داود»

المغنی ج ۱۰ ص ۷۸

سرخسی از فقهای بزرگ احناف می نویسد:

«قوله عليه السلام لا يعذب بالنار الا ربها وقال لا تعذبوا بعذاب الله أحدا.»

المبسوط ج ۲۶ ص ۱۵۲

ابن حزم از فقهای بزرگ ظاهری می نویسد:

«لا تعذبوا بعذاب الله أحدا یعنی بالنار.»

المحلی ج ۱۰ - ص ۳۷۴

شوکانی از فقهای بزرگ زیدی می نویسد

لا تعذبوا بعذاب الله.

نیل الأوطار - الشوکانی - ج ۸ - ص ۲

ابوبکر نیز موقع وفات از سه کاری که انجام داده بود اظهار ندامت می کرد که یکی از آنها سوزاندن سلمی به آتش بود:

طبری و دیگران نوشته اند که ابوبکر گفت:

«وَوَدِدْتُ أَنِّي يَوْمَ أُتَيْتُ بِالْفَجَاءِ السَّلْمِيِّ لَمْ أَكُنْ أَخْرِقُهُ وَقَتَلْتُهُ سَرِيحًا أَوْ أَطْلَقْتُهُ نَجِيحًا.»

ای کاش فجاء سلمی نسوزانده بودم و یا او را می کشتم و یا عاقلانه او را آزاد می کردم.

المعجم الكبير ج 1 ص 62، ح 43، تاريخ الطبري، ج 2، ص 353، تاريخ الإسلام ذهبي، ج 3، ص 118.

2 - مخالفت روایات با روح قرآن

مضمون این روایات با روح قرآن است سازگار نیست؛ زیرا خداوند متعال مردم را در اصل ایمان و کفر آزاد گذاشته که به

اختیار خود هر يك را انتخاب کند و هرگز نسبت به کسانی که در کفر اصرار می ورزند و از ایمان خودداری می کنند دستور

سوزاندن خود آنان و خانه هایشان را نداده است بلکه می فرماید:

قُلْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا...

بگو: «این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می خواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سرپرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است!

الکھف: 29/18

و خداوند متعال ارزشی حتی برای ایمان اجباری قائل نیست و با صراحت می فرماید: {لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ} البقرة: 256 . که نباید کسی را به اجبار وادار به قبول دین کرد.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!)

یونس: 99

هم چنین می فرماید:

قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ .

(به آنها) بگو: «من مسئول (ایمان آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان».)

الانعام: 66

علامه طباطبای بزرگ مفسر شیعه می نویسد:

فإن الإسلام إيمان وعقيدة والعقيدة لا تحصل بالجبر والاکراه وإنما تخضع للحجة والبرهان والقرآن المجید ینادی بذلك في عدة آيات منها لا إکراه في الدين قد تبين الرشد من الغي .

تفسیر المیزان - السيد الطباطبائي - ج 4 ص 164

۳- مراد از روایات منافقان است

این دستور تند پیامبر گرامی ارتباطی به مسلمانان نداشته است؛ زیرا به تعبیر عینی شارح صحیح بخاری «الإجماع منعقد علی منع عقوبة المسلمین بذلك»

عمدة القاري ج 5 - ص 164

اجماع امت هست که مسلمان را نمی شود این چنین مجازات کرد؛ بلکه این دستور در حق منافقان صادر شده است همان طوری که بخاری در صحیح خود آورده است:

عن أبي هريرة قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: ليس صلاة أثقل على المنافقين من الفجر والعشاء ولو يعلمون ما فيهما

لأتوهما ولو حبوا لقد هممت أن أمر المؤمن فيقم، ثم أمر رجلاً يؤم الناس، ثم أخذ شعلا من نار فأحرق على من لا يخرج إلى الصلاة.

ابو هريره از پیامبر اکرم نقل کرده که فرمودند: چیزی همانند نماز صبح وعشاء بر منافقان سنگین نیست و اگر می دانستند در انجام این دو فریضه چه پاداشی هست با شتاب می آمدند و من تصمیم گرفتم که به مؤذن دستور دهم اقامه بگوید سپس فرمان دهم که به امامت یکی از مسلمانان، نماز جماعت برگزار شود و آن گاه شعله ای از آتش تهیه کنم و کسانی را که به نماز جماعت حاضر نمی شوند به آتش بسوزانم.

صحیح البخاری - البخاری - ج 1 - ص 160

وهم چنین روایتی است که مسلم در صحیح خود از عبد الله بن مسعود نقل می کند:

لقد رأيتنا وما يتخلف عن الصلاة الا منافق قد علم نفاقه.

جز منافقانی که نفاق آنان ثابت شده، کسی از حضور در نماز جماعت امتناع نمی ورزید

مسلم النیسابوری، صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۲۴

وعن عطاء نقل شده است که:

«كنا نسمع أنه لا يتخلف عن الجماعة إلا منافق»

همواره ما می شنیدیم که فقط منافق بود که در نماز جماعت حاضر نمی شد

ابن حزم، المحلی ج ۴ - ص ۱۹۶

قال السرخسي المتوفى 483:

«أن عمر رضي الله عنه قال يوما لأصحابه: قد خرج من بيننا من كان ينزل عليه الوحي وخلف فيما بيننا علامة يميز بها

المخلص من المنافق وهي الجماعة فكل من لقيناه في جماعة المسلمين شهدنا بإيمانه ومن لقيناه يتخلف عن الجماعة

شهدنا بأنه منافق

عمر روزی به یاران خود گفت: آن که وحی به او نازل می شد از میان ما رفت ولی در میان ما علامتی برای شناختن منافق از مؤمن مخلص قرار داد و آن نماز جماعت است و هر کس که در

نماز جماعت حضور پیدا کند، گواهی می دهیم که او مؤمن هست و هر کس که در نماز جماعت حاضر نشود شهادت می دهیم که او منافق هست.

المبسوط ج ۱۶ - ص ۱۳۹

نظر علمای اهل سنت در روایت

نظر برخی از علمای اهل سنت نیز این است که این روایت در رابطه با منافقان بوده است. ابن حجر عسقلانی می نویسد:

والذي يظهر لي أن الحديث ورد في المنافقين ... لأن هذا الوصف لائق بالمنافقين لا بالمؤمن الكامل لكن المراد به نفاق

المعصية لا نفاق الكفر

نظر من این است که این روایت در حق منافقان صادر شده است ... زیرا این صفت زبیده منافقان است نه مؤمن کامل .
سپس می نویسد :

إن التخلف ليس من شأنهم بل هو من صفات المنافقين .

سریچی از نماز جماعت از شئون مؤمنان نیست بلکه از ویژگیهای منافقان است
تا آن جا که می نویسد :

وروی ابن أبي شيبة وسعيد بن منصور بإسناد صحيح عن أبي عمير بن أنس حدثني عمومي من الأنصار قالوا قال رسول الله
صلى الله عليه وسلم ما يشهدهما منافق يعني العشاء والفجر .

ابن ابی شیبیه و سعید بن منصور با سند صحیح از ابی عمیر از عموهایی خود که انصار بودند نقل کرده اند که پیامبر گرامی
فرمود: منافق در نماز جماعت عشاء و صبح حضور نمی یابد .

ابن حجر، فتح الباري ٢ ص ١٠٥

عینی شارح صحیح بخاری که می نویسد :

التاسع أنه ورد في حق المنافقين .

احتمال نهم در روایت این است که در حق منافقان صادر شده است .

العيني ، عمدة القاري ج ٥ - ص ١٦٤

همین نظریه را شوکانی دارد .

الشوکانی ، نیل الأوطار ج ٣ - ص ١٥٣

4 - قیاس نماز به بیعت نادرست است

مقایسه کردن موضوع تهدید پیامبر اکرم به آتش زدن خانه کسانی که در نماز جماعت حاضر نمی شدند با موضوع تهدید عمر
بن خطاب به آتش زدن خانه حضرت زهرا سلام الله علیها به خاطر ممانعت از بیعت از جهاتی با یکدیگر تفاوت دارد :

1 - موضوع نماز در قرآن و سنت بیان شده و اهمیت آن کاملاً روشن است؛ ولی به نظر اهل سنت موضوع خلافت نه در قرآن
آمده و نه در سنت بیان شده است؛ بلکه تکلیف آن به عهده امت واگذار شده است .

2 - اگر چنان که تهدید به آتش زدن خانه کسانی از بیعت امتناع می ورزند - همانند کسانی بود که در نماز جماعت حاضر
نمی شدند - يك امر ثابت و شرعی بود می بایست برای تمام مخالفان با بیعت ابوبکر اجرا می شد ولی این تهدید عمر بن
خطاب فقط در حق فاطمه زهرا سلام الله علیها انجام گرفت و نسبت به انبوهی از صحابه که مخالف با بیعت بودند اجرا نشد .

اسامي کسانی که مخالف با خلافت ابوبکر بودند و از بیعت با او امتناع ورزیدند در کتب معتبر اهل سنت به تفصیل ذکر شده است؛ این اثیر مورخ بلند آوزه اهل سنت می نویسد:

قال ابن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (المتوفى 630هـ): وتخلّف عن بيعته علي وبنو هاشم والزبير بن العوام وخالد بن سعيد بن العاص وسعد بن عباد الانصاري ثم ان الجميع بايعوا بعد موت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم الا سعد بن عباد فانه لم يبايع أحدا الى ان مات وكانت بيعتهم بعد ستة أشهر على القول الصحيح وقيل غير ذلك.

علي و بنی هاشم، زبیر، خالد بن سعید بن عاص و سعد بن عباده انصاری از بیعت با ابوبکر سر باز زده و امتناع کردند، سپس بعد از فوت فاطمه (سلام الله علیها) همگی بیعت کردند، مگر سعد بن عباده که تا آخر عمرش با هیچ کس بیعت نکرد تا از دنیا رفت، و بیعت آن افراد بنابر قول صحیح، پس از گذشت شش ماه بود؛ اگر چه غیر از این هم گفته شده است.

أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۳۳۹، تحقیق عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.

ابوالفداء در تاریخ خود می نویسد:

قال أبو الفداء عماد الدين إسماعيل بن علي (المتوفى 732هـ):

فبايع عمر أبا بكر رضي الله عنهما واثالث الناس عليه يبايعونه في العشر الأوسط من ربيع الأول سنة إحدى عشرة خلا جماعة من بني هاشم والزبير وعتبة بن أبي لهب وخالد بن سعيد ابن العاص والمقداد بن عمرو وسلمان الفارسي وأبي ذر وعمار بن ياسر والبراء بن عازب وأبي بن كعب ومالوا مع علي بن أبي طالب.

عمر با ابوبکر بیعت کرد، مردم در ده روز میانی ماه ربیع الأول سال یازدهم هجری برای بیعت هجوم آوردند؛ ولی گروهی از بنی هاشم، زبیر، عتبه پسر ابولهب، خالد بن سعید بن عاص، مقداد بن عمرو، سلمان فارسی، ابوذر، عمار یاسر، براء بن عازب و ابی بن کعب به طرف علی رفتند و به او گرایش یافتند.

المختصر في أخبار البشر، ۱، ص ۱۰۷

3 - با توجه به این که موضوع خلافت از دیدگاه عمر بن خطاب و همفکران او به قدری حائز اهمیت است که جنازه پیامبر گرامی را رها کردند و در سقیفه بنی ساعده برای تعیین خلیفه و بیعت با او اجتماع کردند.

و روایت مورد نظر ثابت کرد که علی و افرادی که در خانه او گرد آمده بودند، با ابوبکر بیعت نکرده بودند و عمر بن خطاب برای وادار کردن آنان به بیعت متوسل به تهدید گردید. و این تهدید، از جهاتی پایه های فکری و اعتقادی اهل سنت را زیر سؤال می برد:

عدم بیعت علی دلیل بر عدم مشروعیت خلافت

الف: ممانعت علی (علیه السلام) از بیعت با ابوبکر، دلیل بر عدم مشروعیت خلافت ابوبکر از دیدگاه علی است؛ زیرا اگر

خلافت ابوبکر مشروعیت داشت می‌بایست علی در همان لحظات اول بیعت می‌کرد .

با توجه به سخن رسول اکرم که فرمود:

«علي مع الحق والحق مع علي»

مجمع الزوائد، الهیثمی، ج ۷، ص ۲۳۵، تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۲، الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۹۸، تفسیر کبیر، فخر

رازی، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۲۰۷ و المستدرک، نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۴ ح ۴۶۲۹ و

و یا «علي مع القرآن والقرآن مع علي هذا حديث صحيح الاسناد» و صححه الذهبی .

المستدرک ج ۳ ص ۱۲۴، تاریخ الخلفاء للسیوطی: ۱۱۶ و ۱۶۲

و با توجه به سخن ابن حزم اندلسی که اجماع منهای علی را لعنت می‌کند مشکل تر می‌شود آن جا که می‌گوید:

قال ابن حزم المتوفى 456هـ:

«لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ كُلِّ إِجْمَاعٍ يَخْرُجُ عَنْهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَمَنْ بِحَضْرَتِهِ مِنَ الصَّحَابَةِ».

لعنت خداوند بر هر اجماعی که علی بن ابی طالب بیرون از آن باشد و صحابه‌ای که در خدمت او هستند، در آن اجماع نباشند.

المحلی، ج ۹، ص ۳۴۵، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربي، ناشر: دار الأفاق الجديدة - بيروت

ب: قدر مسلم از مضمون حدیث یاد شده این است که در قضیه تهدید عمر بن خطاب، علی، فاطمه، حسن و حسین

به عنوان اهل مدینه، ترسیده‌اند و با توجه به روایاتی که اهل سنت نقل کرده‌اند هر کس اهل مدینه را بترساند مورد لعن

پیامبر اکرم قرار گرفته است همان طوری که ذهبی از استوانه‌های علمی اهل سنت می‌نویسد:

قال المتوفى 748هـ: عن السائب بن خلاد، أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من أخاف أهل المدينة أخافه الله،

وعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين .

سائب بن خلاد می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: هر کس مردم مدینه را بترساند خدا او را بترساند، و

بر چنین کسی باد لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم.

تاریخ الإسلام، ج ۵، ص ۲۶، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م.

امتناع علی و تعدادی از صحابه از بیعت و توسل عمر بن خطاب به تهدید، ثابت می‌کند که موضوع اجماع امت، افسانه‌ای

بیش نیست.

کفارہ حنث قسم بر خلیفه دوم

ج: عمر بن خطاب که سوگند یاد کرد خانه را با اهلش به آتش خواهد کشید، یا به قسم را عمل کرد که حرف شیعه ثابت است

و یا عمل نکرد که در این صورت لازم بود کفارہ حنث قسم بپردازد، آیا دلیلی و لویک روایت ضعیف وجود دارد که عمر کفارہ

شکستن قسم را پرداخته باشد؟

ولی حدیث ندامت ابوبکر از حمله به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها استفاده می شود که عمر بن خطاب تهدید خود را عملی کرده است.

حدیث ندامت ابوبکر از حمله به خانه فاطمه

«قال أبو بكر رضي الله تعالى عنه: أجل إني لا أسي على شيء من الدنيا إلا على ثلاث فعلتھن وددت أني تركتھن وثلاث تركتھن وددت أني فعلتھن وثلاث وددت أني سألت عنھن رسول الله صلى الله عليه وسلم فأما الثلاث اللاتي وددت أني تركتھن فوددت أني لم أكشف بيت فاطمة عن شيء وإن كانوا قد غلقوه على الحرب ...»

من به چیزی در دنیا تأسف نمیخورم، مگر بر سه چیز که انجام دادم و سه چیزی که انجام ندادم و سه چیزی که کاش از رسول خدا صلی الله علیه و آله میپرسیدم: دوست داشتیم خانه فاطمه را هتک حرمت نمیکردم هر چند برای جنگ بسته شده شود... تاریخ الطبري، ج ۲، ص ۳۵۳، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت: تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج ۳، ص ۱۱۸، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م.

مسعودی شافعی در کتاب اثبات الوصیه تصریح می کند که عمر خانه را به آتش کشیده است:

قال المسعودي، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي المتوفى 346هـ: فهجموا عليه وأحرقوا بابه واستخرجوا منه كرهاً وضغطوا سيّدة النساء بالباب حتى أسقطت محسناً.

... پس قصد خانه علی کردند و بر او هجوم آوردند و خانه اش را آتش زدند و او را به زور از خانه بیرون آوردند، سرور زنان (فاطمه) را بین دیوار و در فشار دادند تا فرزندش محسن را سقط کرد.
اثبات الوصیه، ص ۱۴۳.

تاج الدین سبکی نام مسعودی را در زمره عالمان شافعی آورده و او را مورخ، صاحب فتوا و علامه می داند:

علي بن الحسين بن علي المسعودي صاحب التواريخ كتاب مروج الذهب في أخبار الدنيا وكتاب ذخائر العلوم وكتاب الاستذكار لما مر من الأعصار وكتاب التاريخ في أخبار الأمم وكتاب أخبار الخوارج وكتاب المقالات في أصول الديانات وكتاب الرسائل وغير ذلك. قيل إنه من ذرية عبد الله بن مسعود رضي الله عنه أصله من بغداد وأقام بها زماناً وبمصر أكثر وكان أخبارياً مفتياً علامة صاحب ملح وغرائب.

علي بن الحسين مسعودي، صاحب كتابهای تاریخی مروج الذهب... و دیگر کتابها است. گفته شده که او از فرزندان عبد الله بن مسعود بوده است، اصالتاً اهل بغداد و زمانی در آن جا و بیشتر در مصر ساکن بوده، او اخباری، دارای فتوا، دانشمند و... بود.

السبكي، تاج الدين بن علي بن عبد الكافي (متوفاي ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، ج ٣، ص ٤٥٦، تحقيق: د. محمود محمد الطناحي د. عبد الفتاح محمد الحلو، ناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع - ١٤١٣هـ، الطبعة: الثانية.

5 - پیامبر رعایت حال زنان و کودکان را نمود ولي عمر بن خطاب؟؟

پیامبر اکرم حتی در تهدید منافقان وجود زنان و کودکان را در میان منزل استثنا نمود، بنا به نقل احمد بن حنبل حضرت فرمودند:

لولا ما في البيوت من النساء والذرية أقتت صلاة العشاء وأمرت فتیاني يحرقون ما في البيوت بالنار.

اگر زنان و کودکان در خانه نبودند، دستور می‌دادم جوان‌هایی من خانه آنان را به آتش بکشند.

الإمام احمد بن حنبل، مسند احمد ج ٢ ص ٣٦٧، العيني، عمدة القاري ج ٥ - ص ١٦٠

ابن کثیر هم می‌نویسد:

ولولا ما في البيوت من النساء والذرية لحرقت عليهم بيوتهم بالنار.

اگر زنان و کودکان، در خانه نبودند، خانه را به آتش می‌کشاندم

ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ١ ص ٥٨١

ولي وقتي عمر بن خطاب در تهدید خانه حضرت زهرا سلام الله عليها را به آتش حقوق زنان و فرزندان را رعایت نکرد همان گونه که در نقل ابن قتیبه آمده است:

وقال عمر: والذي نفس عمر بيده لتخرجن أو لأحرقنّها على من فيها! فقيل له: يا أباحفص إن فيها فاطمة!! فقال: وإن.

عمر گفت: قسم به خداوندی جان عمر در دست او است یا همگی برای بیعت با ابوبکر بیرون بیایید و یا خانه را با تمام ساکنانش به آتش می‌کشم. به عمر گفتند: در این خانه فاطمه زهرا سلام الله عليها حضور دارد! پاسخ داد: اگر چه فاطمه هم در خانه باشد آن را به آتش می‌کشم.

الامامة والسياسة: ١٢/١

همین مطلب را عمر رضا کحاله از علمای بزرگ اهل سنت معاصر نقل می‌کند:

اعلام النساء ج ٤، ص ١١٤

شهرستانی از قول نظام نقل می‌کند:

وكان عمر يصيح: إحرقوا دارها بمن فيها، وماكان في الدار غير على وفاطمة والحسن والحسين وزينب عليهم السلام.

عمر فریاد می‌کشید که خانه را با تمام افرادی که در آن هست به آتش بکشید و در خانه جز علی، فاطمه، حسن و حسین کسی نبود.

روايات شيعه در احراق خانه تاركين نماز

در رابطه با رواياتي كه در منابع شيعه آمده توجه به چند نکته ضروري است:

شيخ حر عاملي روايات متعددي در رابطه با تهديد پيامبر گرامي و امير مؤمنان ذكر کرده است به چند مورد اشاره مي كنيم:

1 - وبإسناده عن الحسين بن سعيد ، عن النضر ، عن ابن سنان يعني عبد الله ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : سمعته يقول : إن أناسا كانوا على عهد رسول الله (صلى الله عليه وآله) أبطأوا عن الصلاة في المسجد فقال النبي (صلى الله عليه وآله) : ليوشك قوم يدعون الصلاة في المسجد أن نأمر بحطب فيوضع على أبوابهم فتوقد عليهم نار فتحرق عليهم بيوتهم .

وسائل الشيعة (آل البيت) - الحر العاملي - ج ٥ - ص ١٩٤ ، ح ٦٣١١ و التهذيب ج ٣ ص ٢٥ ح ٨٧

سند روايت صحيح است

2 - وعنه ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أن أمير المؤمنين (عليه السلام) بلغه أن قوما لا يحضرون الصلاة في المسجد ، فخطب فقال : إن قوما لا يحضرون الصلاة معنا في مساجدنا فلا يؤاكلونا ولا يشاربونا ولا يشاورونا ولا يناكحونا ولا يأخذوا من فيئنا شيئا ، أو يحضروا معنا صلاتنا جماعة ، وإني لاوشك أن أمر لهم بنار تشمل في دورهم فاحرق عليهم أو ينتهون ، قال : فامتنع المسلمون عن مؤاكلتهم ومشاربتهم ومناكحتهم حتى حضروا الجماعة مع المسلمين .

شيخ حر عاملي ، وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٥ ، ص ١٩٦ ، ح ٦٣١٨ ، أمالي شيخ طوسي ج ٢ ص ٣٠٨ .

سند اين روايت نيز صحيح است .

3 - قال : وقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لقوم : لتحضرن المسجد أو لأحرقن عليكم منازلكم .

شيخ حر عاملي ، وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٨ ص ٢٩١ ، ح ١٠٦٩٧ ، من لا يحضره الفقيه ج ١ ص ٢٤٥ ح ١٠٩٢ .

روايت مرسل و ضعيف است .

4 - محمد بن الحسن بإسناده عن الحسين بن سعيد ، النضر ، عن عبد الله بن سنان ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : سمعته يقول : صلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) الفجر فأقبل بوجهه على أصحابه فسأل عن أناس يسميهم بأسمائهم . فقال : هل حضروا الصلاة ؟ فقالوا : لا يا رسول الله فقال : أغيب هم ؟ قالوا : لا ، فقال : أما انه ليس من صلاة أشد على المنافقين من هذه الصلاة والعشاء ، ولو علموا أي فضل فيهما لا توهما ولو حبوا .

شيخ حر عاملي ، وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٨ ص ٢٩٤ ، ح ١٠٧٠٦ ، التهذيب ج ٣ ص ٢٥ ح ٨٦ ، أمالي الصدوق

ص ۳۹۲ ح ۱۵ ، عقاب الأعمال ص : ۲۷۶ ، المحاسن ص ۸۴ ح ۲۱ .

سند شیخ طوسی و شیخ صدوق و محاسن برقی صحیح است .

پاسخ از روایات :

۱ - تهدید به خاطر مخالفت با شرائط پیامبر بوده

فقیه عالیقدر شیعه آقا رضا همدانی در پاسخ روایاتی که در منابع شیعه آمده است می نویسد :

وما فی هذه الأخبار من الأمر بإحراقهم أو إحراق بیوتهم ، فلعله لأجل مخالفة النبي صلى الله عليه وآله بعد أن كان قد شرط عليهم ذلك والا فترك المستحب أو فعل المكروه من حيث هو ليس موجباً لاستحقاق العقوبة .

در این روایات که پیامبر اکرم دستور سوزاندن آنان و خانه های آنان را صادر فرموده شاید به خاطر مخالفت آنان با شرائطی بوده که حضرت با آنان کرده بود و گرنه ترك يك امر مستحبي و یا مکروه باعث این چنین عقوبتی نخواهد بود .

مصباح الفقیه (ط.ق) - آقا رضا الهمدانی - ج ۲ ق ۲ ص ۶۲۴

مؤید این نظریه روایت صحیحی است که برقی و شیخ صدوق نقل کرده اند :

أحمد بن محمد البرقي في (المحاسن) عن جعفر بن محمد الأشعري ، عن ابن القداح ، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال : اشترط رسول الله (صلى الله عليه وآله) على جيران المسجد شهود الصلاة وقال : ليتهم أقوام لا يشهدون الصلاة أو لأمرن مؤذنا يؤذن ثم يقيم ثم لأمرن رجلاً من أهل بيتي وهو علي بن أبي طالب فليحرقن على أقوام بيوتهم بحزم الحطب لأنهم لا يأتون الصلاة .

امام صادق علیه السلام از پدران خود نقل فرموده : پیامبر گرامی با همسایگان مسجد شرط کرد که در نماز جماعت حضور به هم رسانند آنگاه فرمود: آنان که در نماز جماعت حاضر نمی شوند اگر از کار خود دست برندارند، دستور می دهم که مؤذن اذان و اقامه بگوید سپس به یکی از اهل بیت خود که علی بن ابی طالب باشد فرمان می دهم که خانه های آنها به جرم عدم حضور در نماز ، با بستن هیزم بسوزاند .

وسائل الشیعة (آل البیت) ج ۵ - ص ۱۹۵ ، ح ۶۳۱۵ ، برقی ، المحاسن ص ۸۴ ح ۲۰ ، صدوق ، عقاب الأعمال ص ۲۷۶ ح ۲ ، أمالی الشیخ الصدوق ص ۳۹۲ ح ۱۴ .

سند عقاب الأعمال این چنین است : عن محمد بن علي ماجيلويه ، عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن الصادق

وسند امالی این چنین است : عن أحمد بن زياد بن جعفر الهمداني ، عن علي بن إبراهيم عن أبيه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن الصادق که راویان هر دو سند مورد وثوق هستند و روایت صحیح است .

سند محاسن برقي و هم چنين عقاب الاعمال وامالي صدوق صحيح است .

افراد مورد نظر پیامبر منافقان بوده اند

همان گونه که در بخش پاسخ به روایات اهل سنت ذکر شد که مراد پیامبر گرامی 6 قطعا مسلمانان نبود؛ بلکه منافقان بود که تصمیم داشتند با ترك نماز جماعت به اجتماع مسلمانان ضربه وارد کنند. حاج آقا رضا همدانی از فقهای نامدار شیعه نیز در تأیید همین نظریه می نویسد:

يحتمل كون القوم الذين هم رسول الله صلى الله عليه وآله باحراقهم أو احراق بيوتهم من جملة المنافقين الذين كانوا يتركون الجماعة رغبة عنها وعن جماعة المسلمين .

احتمال می رود که افرادی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تصمیم داشت خانه های آنان را آتش بزند، منافقان بودند که برای اثبات مخالفت خود در نماز جماعت و دیگر جمع مسلمانان حاضر نمی شدند.

مصباح الفقيه (ط.ق) - آقا رضا الهمدانی - ج ۲ ق ۲ ص ۶۲۴

نتیجه

با توجه به تصمیم قطعی خلیفه دوم و سوغندهایی که یاد کرده، و از طرف دیگر با توجه به مدارکی که در کتابهای اهل سنت یافت می شود، عمر بن الخطاب فقط به تهدید کردن بسنده نکرده؛ بلکه آن را عملی نیز کرده است.

وروی الحمیدی فی الجمع بین الصحیحین من المتفق علیه من مسند أبي هريرة أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال والذي نفسي بيده لقد هممت أن أمر بحطب ينحطب ثم أمر بالصلاة فيؤذن لها وأمر رجلا يؤم الناس ثم أخالف إلى رجال فأحرق عليهم بيوتهم والذي نفسي بيده لو يعلم أحدهم أنه يجد عرفا سمينا وخبزا برا لشهد العشاء وهذا ذم من النبي (صلى الله عليه وآله) لجماعة من أصحابه حيث لم يحضروا الصلاة جماعة معه .

إحقاق الحق (الأصل) - الشهيد نور الله التستري - ص ۲۷۵؛ ورواه في منتخب كنز العمال ج ۳ ص ۳۴۲ في هامش المسند

وفي التاج الجامع للأصول ج ۱ ص ۲۴۹ بتفاوت يسير ، وقال : رواه الخمسة